

Research Paper

Application of the Grounded Theory to the Social Construction of Ethnic Violence

Sajjad Moeinfar¹ , *Reza Ali Mohseni¹ , Ali Reza Mohseni Tabrizi²

1. Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Use your device to scan and read the article online



Citation: Moeinfar S, Mohseni R, Mohseni Tabrizi A. (2020). [Application of the Grounded Theory to the Social Construction of Ethnic Violence (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 10(37), 108-137.



Received: 23 Feb 2020

Accepted: 18 Aug 2020

Available Online: 18 Mar 2021

Key words:

Ethnic violence, Ethnic and religious divide, Weakness, Cross-Ethnic communication, Representation of violence in the media, Grounded theory

ABSTRACT

The present study attempted to derive a qualitative and grounded theory approach to the paradigmatic model of the concept of ethnic violence based on subjective perceptions and actors' interpretations and definitions of this concept. We employed a grounded theory method using Strauss and Corbin paradigm model. The necessary qualitative data in this study were collected using an in-depth interview technique. The research subjects were 26 ethnic elites of West Azerbaijan Province, Iran, from Turkish and Kurdish ethnicities. They were selected based on qualitative/ sampling methods and theoretical saturation criterion. A continuous comparison approach was used for data analysis in the stages of open coding, axial selection, and selection. The required data were collected in the form of 121 concepts and 13 central categories in the interviews with the Kurdish and Azeri Turk elites. The obtained results indicated ethnic and religious divisions, ethnic nationalism, the weakness of intercultural communication, media violence representation, and ethnic power relations. Non-compliance with civil rights, the non-establishment of civil society, and discrimination were the major causes of ethnic violence. The consequences were impaired inter-ethnic cooperation and national identity; insecurity; threatened sustainable national security; forced migration of residents, and economic underdevelopment in West Azerbaijan Province. Underlying conditions, such as ethnic susceptibility were related to heterogeneous populations. Social tolerance, as well as equitable distribution of wealth, power, dignity, and social policymaking were identified as strategies for this issue. Ultimately, the phenomenon of ethnic (political & social violence) emerged.

*** Corresponding Author:****Reza Ali Mohseni****Address:** Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.**E-mail:** mohseni.net14@gmail.com

مقاله پژوهشی

کاربرد نظریه‌مبنایی در برساخت اجتماعی خشونت قومی

سجاد معین‌فر^۱،* رضاعلی محسنی^۱،^۱ علیرضا محسنی تبریزی^۲

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

تاریخ دریافت: ۰۴ اسفند ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۸ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۲۸ اسفند ۱۳۹۹

مقاله حاضر با استعانت از رویکردی کیفی و مبتنی بر روش نظریه‌مبنایی می‌کوشد مدل پارادایمی از مفهوم خشونت قومی بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر و تعاریف کنشگران از این مفهوم را به دست دهد.

روش پژوهش، روش نظریه‌زمینه‌ای با استفاده از مدل پارادایمی استراس و کوربین است. داده‌های کیفی در این مطالعه با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری شدند. مورد مطالعه نخبگان کرد و ترک آذری‌زبان استان آذربایجان غربی بودند. سوژه‌های تحت مطالعه ۲۶ نفر از نخبگان قومی استان آذربایجان غربی از دو قومیت ترک و کرد بودند که بر اساس روش نمونه‌گیری کیفی / هدفمند و معیار اشباع نظری انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از روش مقایسه مداوم در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شده است. داده‌های گردآوری‌شده در قالب ۱۲۱ مفهوم و سیزده مقوله محوری در مصاحبه با نخبگان کرد و ترک آذری‌زبان به دست آمد. نتایج حاصل نشان داد، شکاف قومی و مذهبی، ناسیونالیسم قومی، ضعف ارتباطات میان فرهنگی - قومی، بازنمایی خشونت در رسانه، روابط قدرت قومیتی، عدم رعایت حقوق شهروندی، عدم استقرار جامعه مدنی و تبعیض از مهم‌ترین شرایط علی بروز خشونت قومی هستند. تحولات آن‌سوی مرز، الگوی رای‌دهی قومی و رویدادهای تنش‌زای تاریخی از شرایط مداخله‌گر در بروز خشونت قومی بودند. پیامدهای این پدیده تضعیف همکاری بین‌قومی، تضعیف هویت ملی، ناامنی و تهدید امنیت ملی پایدار، مهاجرت اجباری ساکنان و توسعه‌نیافتگی اقتصادی در استان آذربایجان غربی خواهد بود. شرایط زمینه‌ای ناظر بر مواردی نظیر حساسیت قومی و بافت ناهمگون جمعیتی است. مدارای اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، قدرت، منزلت و سیاست‌گذاری اجتماعی به عنوان راهبردهای این پدیده‌شناسایی شدند.

کلیدواژه‌ها:

خشونت قومی، شکاف قومی و مذهبی، ضعف ارتباطات میان‌فرهنگی - قومی، بازنمایی خشونت در رسانه، نظریه‌مبنایی

* نویسنده مسئول:

رضاعلی محسنی

نشانی: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه جامعه‌شناسی.

پست الکترونیکی: mohseni.net14@gmail.com

مقدمه

فیلیپ برو^۱ (۱۹۹۳) در تعریف خشونت می‌نویسد: «هر کنترل اجتماعی که در مقابل تمایلاتی ایستادگی کند یا آزار و رفتاری را تحمیل کند و یا یک مسیر اجتماعی و چارچوب خاصی را مختل کند، خشونت نام دارد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۳۱)».

خشونت اقسام مختلفی دارد که در اینجا منظور، خشونت قومی است. خشونت قومی به خشونت‌های اشاره می‌کند که به طور خاص به دلیل تفرقه‌های قومی و درگیری‌های قومی مطرح می‌شود. در تعریفی دیگر خشونت قومی آسیب جسمی یا روحی است که در برابر یک فرد یا گروهی بر اساس تفاوت‌های قومی اعمال می‌شود (Njoroge, 2012).

امروزه خشونت در بسیاری از نقاط جهان رخ می‌دهد و در برخی موارد، تعداد آن کم است. آکلائف^۲ معتقد است بخش اعظم درگیری‌های خشونت‌بار قومی دارای ماهیت سیاسی هستند که تحت شرایط خاص انتقالی در روابط بین قومی، از اعمال سیاسی قومی بدون خشونت به اعمال سیاسی خشونت‌آمیز تبدیل می‌شوند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

رابرت گر^۳ معتقد است خشونت سیاسی ابتدا با بروز نارضایتی آغاز می‌شود. در مرحله بعد این نارضایتی سیاسی می‌شود و سرانجام به تحقق عمل خشونت‌آمیز می‌انجامد. پتانسیل خشونت سیاسی، قویاً تحت تأثیر شدت و گستره توجیهات هنجاری و نیز توجیهات فایده‌جویانه برای خشونت در میان اعضای یک جمع قرار دارد. به نظر گر برخی از دیدگاه‌های انسان‌ها درباره خشونت، حاصل الگوهای جامعه‌پذیری هستند که تجلیات ظاهری پرخاش‌جویی را تشویق می‌کنند یا ناپسند می‌شمارند (گر، ۱۳۷۷).

امروزه تنوع قومی، واقعیتی نسبتاً فراگیر و جهانی است و اقوام، سهم بسزایی در صلح یا منازعه داخلی یا خارجی در کشورها دارند (یوسفی و اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۸: ۱۲۶). تکثر و تنوع هویتی یک واقعیت موجود در اکثر قریب به اتفاق جوامع در گذشته و حال بوده است و در دوره معاصر علی‌رغم فرایندهای نوسازی و برقراری نهادهای مدرن، این تنوع هویتی نه تنها کاهش نیافت، بلکه بدل به موضوعی برای مناقشه و منازعات حول تمایزات و تفاوت‌های هویتی شد. مسئله قومی در ایران جزو یکی از مسائل مهم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی معاصر به شمار می‌آید که اغلب در حوزه سیاسی متبلور شده است. این امر به دلیل چگونگی توزیع جغرافیایی اقوام تا اندازه‌ای ناگزیر می‌نماید (فکوهی، ۱۳۸۵). در طول تاریخ معاصر ایران یکی از پارامترهای اصلی ناحیه‌بندی کشور، ملاحظات دفاعی - امنیتی بوده است؛ چنان‌که در مناطقی که خطر واگرایی گروه‌های قومی - مذهبی وجود دارد، تلاش شده تا با تقسیم آن‌ها به چند ناحیه کارکردی و همچنین ادغام با سایر گروه‌های قومی - مذهبی ضمن جلوگیری از واگرایی از طریق کنترل آن‌ها، قدرت آن‌ها تقسیم شود؛ امری که به‌وضوح در مرزهای شمال غربی کشور قابل رؤیت است (پور موسوی و دیگران، ۸۸: ۱۳۸۷).

فکوهی (۱۳۷۸) خشونت را نوعی اعمال زور می‌داند؛ طوری که از نظر او خشونت و قدرت با یکدیگر مترادف هستند، با این تفاوت که خشونت نوعی از قدرت است که هدفی خاص را تعقیب می‌کند و آن مشخص کردن مرزها و جلوگیری از اعمال یک قدرت دیگر است.

1. Braud
2. Akulaef
3. Robert Gurr

تعدد و تنوع اقوام تشکیل‌دهنده استان آذربایجان غربی به نحوی است که اطلاق واژه‌های کثیرالقوم و جامعه چندقومی به ترکیب جمعیتی آن، واقعیتی غیر قابل انکار است. حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون ترک‌های آذری‌زبان، کردها، فارس‌ها و ارمنی‌ها و آشوری‌ها در جوار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر تنوع فرهنگی-قومی استان آذربایجان غربی است. اگر هم‌نواپی، همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز و برادرانه را به عنوان قاعده‌ای کلی در مناسبات اقوام استان آذربایجان غربی بپذیریم، در کنار این قاعده، برهه‌هایی نیز وجود داشته که بر این روابط، سطوح مختلفی از تنش، منازعه و خشونت حاکمیت پیدا کرده است.

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که بروز و گسترش درگیری‌ها و متعاقب آن ظهور آسیب‌های امنیتی، اجتماعی و اختلافات قومی استان به سال‌های قبل از انقلاب برمی‌گردد و با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به دلیل غالب شدن قوم ترک آذری‌زبان، شکاف‌های قومی افزایش یافته و دخالت‌های برخی گروه‌های معاند در خارج از مرزهای کشور که عموماً داعیه خودمختاری آذربایجان و کردستان را دارند، این درگیری‌ها، اختلافات و آسیب‌ها را افزایش داده است (دعاگویان و عبدالرحمانی، ۱۳۹۶: ۲۸). تجربه انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی در شهر ارومیه به عنوان مرکز استان و شواهد دیگری نیز حکایت از این موضوع دارند.

با وجود تلاش‌های زیاد هنوز چرخش و تغییر محسوسی در سیاست مدیریت اجرایی استان آذربایجان غربی برای مدیریت روابط بین دو گروه قومی ایجاد نشده است؛ بنابراین بررسی خشونت قومی برای تخفیف رقابت قومی و ممانعت از افزایش تنش‌ها و حتی در بدترین شکل آن یعنی مهاجرت

قاراخانی (۱۳۸۸) در پژوهشی تطبیقی - تجربی درباره خشونت سیاسی و تبیین رابطه بین متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در کشورهای اسلامی نشان داد که بین نوسازی و خشونت سیاسی در کشورهای اسلامی، رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که فرایند نوسازی با رفتارهای خشونت‌آمیز سیاسی همراه است و متغیرهای فرهنگی و اقتصادی، بیشترین همبستگی را با خشونت سیاسی در این کشورها دارند.

رضایی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و بیانیه‌های تبلیغاتی در بمب‌گذاری‌های سیستان و بلوچستان» نشان دادند تبلور اختلاف میان اهل تشیع و تسنن در سیستان و بلوچستان و تلفیق آن با هویت‌های قومی در این منطقه، به گفتمانی برای توجیه خشونت‌های سیاسی بدل شده است. گروه‌های تروریستی همچون گروه موسوم به جندالله در بلوچستان در عین اتخاذ سنت‌های افراطی سلفی‌گری، گفتمان حاکمیت دینی در ایران را به صورت معکوس تکرار می‌کنند و آن را به ابزاری تقابلی در نیل به اهداف دینی - قومی خویش در برابر حکومت مرکزی بدل می‌کنند.

استان آذربایجان غربی همانند استان سیستان و بلوچستان از نظر مقیاس اثرگذاری امنیتی یکی از بااهمیت‌ترین مناطق امنیتی کشور محسوب می‌شود. این استان در طول تاریخ کشور همیشه یک مبدأ عملیاتی و محل تجمیع قوا بوده و به همین علت تأثیر غیر قابل انکاری بر امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور داشته و نسبت به مناطق مشابه خود از ویژگی‌های خاصی برخوردار است (چوخاچی‌زاده مقدم و امینی قشلاقی، ۱۳۸۹).

تقویت گروه‌های تروریستی توسط عوامل خارجی بر میزان خشونت در این منطقه تأثیرگذار است.

فرحمند گنزق (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی خشونت اقوام ترک و کرد آذربایجان شرقی و کردستان در مقابل حکومت مرکزی پس از ۱۳۵۷» انجام داد. نتایج نشان داد که هویت خواهی در کردها که ریشه در فقر و هویت خواهی در ترک‌ها که ریشه در جایگزینی فرهنگی دارد موجب بروز رفتار اعتراض آمیز و گاهی خشونت آمیز، شده است.

نتایج پژوهش عباسی و همتی (۱۳۹۲) با عنوان «تحلیل تطبیقی - کیفی تضاد سیاسی خشونت آمیز در سطح کلان» نشان داد نابرابری در ثروت، نابرابری اسمی و اقتصاد مبتنی بر صادرات انرژی شرط لازم و شرط کافی تضاد سیاسی خشونت آمیز نیست، اما نبود دموکراسی، توسعه نیافتگی اقتصادی و نبود کیفیت حاکمیت، هر یک به تنهایی شرط لازم و کافی وقوع تضاد سیاسی خشونت آمیز است. همچنین، ترکیب دو شرط توسعه اقتصادی و دموکراسی و نابرابری در ثروت و دموکراسی، شرط کافی تضاد سیاسی خشونت آمیز هستند. نتایج نیز به طور کلی حاکی از این است که تضاد سیاسی خشونت آمیز شامل نابرابری در ثروت، نبود دموکراسی، وجود نابرابری اسمی، نبود توسعه اقتصادی و نبود کیفیت حاکمیت است.

نتایج پژوهش طالبان (۱۳۹۰) نشان می‌دهد دو الگوی متفاوت از محرومیت نسبی موجب خشونت سیاسی در کشورهای مسلمان شده‌اند؛ اول، ترکیبی از تبعیض گروهی قوی با نابرابری اقتصادی پایین و دیگری، جوامعی که در آن‌ها تبعیض گروهی قوی با توسعه شتابان ترکیب شده است. از دیگر نتایج پژوهش مذکور این است که در میان کشورهای

اجباری بعضی از اقوام در شهرهای استان آذربایجان غربی همانند اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران به ویژه با توجه به فعالیت کنشگران افراطی در هر دو گروه قومی، ضروری است؛ زیرا در جوامعی که نظام سیاسی نتوانسته است وفاداری‌های قومی و نژادی را به سطح وفاداری‌های ملی ارتقا دهد، اقوام و قبایل همچنان به آداب و رسوم خود پایبندند و در نتیجه پدیده‌ای با عنوان ملت شکل نمی‌گیرد. از چنین موقعیتی می‌توان با عنوان «گسیختگی ملی» نام برد. فقدان انسجام ملی یکی از پیش شرط‌های وقوع رفتارهای خشونت آمیز است. مطالعه حاضر با استعانت از رویکردی کیفی و مبتنی بر روش نظریه‌مبنایی می‌کوشد مدل پارادایمی را از مفهوم خشونت قومی بر اساس برداشت‌های ذهنی و تفاسیر و تعاریف خبگان کرد و ترک آذری زبان استان آذربایجان غربی به دست دهد.

۱. ادبیات موضوع

محموداوغلی و اصغری نیازی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت سیاسی (مطالعه موردی: جمعیت بلوچ شهر زاهدان)» انجام دادند. پژوهش حاضر به بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان گرایش رفتارهای خشونت آمیز سیاسی در بین شهروندان بلوچ شهر زاهدان می‌پردازد. مسائل قومی - طایفه‌ای این منطقه بستر جغرافیایی مناسب برای نامنی و بی‌ثباتی ایجاد می‌کند. همانندی‌های فرهنگی، قومی، مذهبی با دو کشور بحران زده افغانستان و پاکستان نیز بر افزایش خشونت در این منطقه می‌افزاید. نتایج نشان می‌دهد در کنار عوامل جامعه‌شناختی مانند محرومیت نسبی، عوامل دیگری همچون ساختار اجتماعی - فرهنگی خاص، سیستم قوم‌مداری، جغرافیای طبیعی استان، قاچاق مواد مخدر، تعداد زیاد اتباع بیگانه در منطقه و

درگیری قومی در کنیا، به این نتیجه رسید که تضاد گروهی، فقدان سازگاری ارزشی، حس برتری‌بینی، فقدان مدیریت تعارض، مسائل ارضی و سرزمینی زمینه‌ساز تنش بین گروه‌ها شده است.

راسول^۶ و همکاران (۲۰۱۱) تصریح می‌کنند علی‌رغم وجود همدلی قومی و فرهنگی، عوامل متعددی همچون کمبود عمومی دانش و تجربه عمومی در خصوص فرهنگ‌های دیگر، فقدان تجربه عملی در فرهنگ‌های دیگر و عدم توانایی در درک شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین فرهنگ خود و دیگران در خشونت دخالت دارند که مانع ایجاد همدلی می‌شوند.

سدرمن، ویمر و برایان مین^۷ در پژوهشی دیگر در سال ۲۰۱۰ با این عنوان که «چرا گروه‌های قومی دست به خشونت می‌زنند»، با بررسی روابط قدرت قومی^۸ همه گروه‌های قومی در سراسر جهان از سال ۱۹۴۶ تا ۲۰۰۵ نشان دادند نمایندگان گروه‌های قومی که بیشتر از قدرت دولتی محروم می‌شوند، به‌خصوص اگر اخیراً قدرت را از دست داده باشند، بیشتر در معرض ابتلا به اختلافات با دولت قرار می‌گیرند و ظرفیت بسیج آن‌ها بالاتر است و خطر درگیری‌های خشونت‌آمیز به واسطه آن‌ها افزایش می‌یابد.

تورستن^۹ به نقل از ویمر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان حکومت اقلیت، تعادل قدرت و خطر درگیری نژادی نشان داد که در جوامع گوناگون قومی که دارای نهادهای ضعیف هستند، حکومت اقلیت می‌تواند منازعه و اختلافات خشونت‌آمیز را به وجود

خاورمیانه وقوع خشونت سیاسی ارتباطی به نابرابری اقتصادی نداشته است. همچنین، تبعیض گروهی علت لازم خشونت سیاسی بوده است؛ یعنی کلیه کشورهایی که خشونت سیاسی را تجربه کرده‌اند واجد تبعیض گروهی هستند.

تسگا اتفا^۴ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «قومیت به عنوان ابزار؛ ریشه‌های درگیری قومی در آفریقا» عنوان می‌کند که دلایل اصلی درگیری‌های قومی در آفریقا به خوبی درک نشده است. بسیاری از منابع موجود، اختلاف نظر قومی در آفریقا را از منظر تنوع قومی یا تغییر اقلیم و رقابت برای منابع طبیعی تا محرومیت از نارضایتی‌های جمعی در این قاره عنوان می‌کنند. با این حال، عمده‌ترین مشکلات تاریخی شامل سیستم سیاسی غیر فراگیر، دست‌کاری قومیت، حاشیه‌نشینی مزمن و بی‌توجهی، انحصار منابع دولتی و محرومیت همراه با عدم وجود مکانیسم دموکراتیک برای پرداختن به آن‌هاست.

تسگا اتفا (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «درگیری‌های قومی در آفریقا؛ درگیری‌های ارومو و پوکومو طی سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۱۳» بیان می‌کند که عوامل اساسی درگیری بین اورومو و پوکوو در تانتا دلتا از سال ۱۹۹۱ نه نقاط آب‌گرفته اوروما (مالکاه) و نه مزارع کشاورزی پوکوو (شامباس)، بلکه خشونت‌های سیاسی بودند. تقریباً تمام درگیری‌های مسلحانه بین اورومو و پوکوو از زمان آزادسازی سیاسی در سال ۱۹۹۱ به انتخابات ملی مرتبط بود. پیش از این هرگز چنین حملات سازمان‌یافته‌ای بین دو جامعه دوست صورت نگرفته است.

گوغونی^۵ (۲۰۱۲) در پژوهش خود راجع به

6. Rasool

7. Cederman, Wimmer, and Min

8. Ethnic Power Relations (EPR)

9. Thorsten

4. Tsega Etefa

5. Gogoneni

قابل شناخت هستند: شکل‌گیری باورهای اجتماعی که معطوف به خشونت بین‌گروهی است، ظهور و شکل‌گیری مناسک و مراسم و ایجاد بناهای یادبود.

مرور تحقیقات انجام‌شده در داخل و خارج از ایران نشان می‌دهد که از بُعد روش‌شناختی اکثر تحقیقات به صورت کمی و با روش پیمایشی صورت گرفته است. از نظر جامعه‌آماری نیز تحقیقات عمدتاً متمرکز بر یک شهر بودند و پاسخ‌گویان نیز شهروندان ساکن بودند و از نظر موضوعی نیز عمدتاً در خصوص هویت‌یابی به واسطه قومیت و قوم‌گرایی انجام شده‌اند. عمده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر خشونت و منازعات قومی از نظر پژوهشگران داخلی همانندی‌های فرهنگی، قومی و مذهبی با کشورهای همسایه، محرومیت نسبی، سیستم قوم‌مداری، تبلیغات سیاسی شبکه‌های ماهواره‌ای، شکاف‌های قومی مرکز - پیرامون و احساس نابرابری و تبعیض گروهی قوی است. در پژوهش‌های خارجی نیز شکاف‌های موجود میان احزاب مختلف جامعه و دولت، نفوذ عناصر خارجی جهانی و منطقه‌ای، تفاوت‌های زبانی، تغییر ساختار جمعیتی و نابودی الگوی هم‌زیستی قومی، تراکم جمعیت قومی، روابط قدرت قومی، نقش تغییرات منطقه‌ای و رسانه‌ها از عوامل مؤثر بردرگیری‌های خشونت‌بار نژادی بودند. از آنجا که هدف اصلی در این مقاله، کاربرد نظریه مبنایی در بساخت اجتماعی خشونت قومی در استان آذربایجان غربی است، باید گفت در این زمینه با اینکه پژوهشگران خارجی با توجه به روند رویدادهای اتفاق‌افتاده در سراسر جهان از حیث خشونت‌های نژادی، عوامل مؤثر بر خشونت‌ها را با استفاده از پیمایش‌های جهانی، تحلیل کرده‌اند، در ایران به این موضوع توجه نشده است؛ به طوری که فضای مفهومی این واژه چندان مشخص نیست و عوامل مؤثر بر آن و مکانیسم اثرگذاری آن عوامل

آورد. مبارزه با قدرت باید شدیدتر باشد اگر گروه‌های قومی به اندازه هم باشند.

از نظر بانگورا^{۱۰} (۲۰۰۶) نابرابری در میان گروه‌ها به نسبت نابرابری میان افراد، منبع قوی‌تری برای تضادهای خشونت‌بار است. وقتی نابرابری در درآمد، ثروت و دسترسی به خدمات و قدرت سیاسی، بر تفاوت‌های گروهی منطبق باشد، بسیج افراد به منظور انجام کنش جمعی، موضوع بااهمیتی تلقی می‌شود.

روکیو ریوادنیرا^{۱۱} (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای که در میان آمریکاییان اسپانیایی‌تبار به عمل آورد، متوجه شد که اغلب اعضای گروه‌های مذکور معتقدند تصاویر تلویزیونی ارائه‌شده از آنان منفی و کلیشه‌ای است. این تصاویر، علاوه بر آنکه عملاً جوانان اسپانیایی‌تبار را به سوی بر گرفتن نقش‌های خلافکار سوق می‌دهد، با اشاعه تصاویر قالبی از این گروه‌های قومی، دست‌کم بر نگرش‌های افراد عادی که دانش زیادی در مورد گروه‌های متفاوت با خود ندارند، تأثیر می‌گذارد.

بارتال^{۱۲} (۲۰۰۳) معتقد است فرهنگ خشونت در پاسخ به تجربه خشونت فیزیکی گسترش می‌یابد. این خشونت در طی منازعه گروهی انباشته شده و وارد حافظه جمعی جامعه می‌شود و سپس تطور یافته و سبب حفظ تجربیات و معانی مرتبط با خشونت می‌شود. این تجربیات قوی که افراد در زمینه منازعه و خشونت پیدا می‌کنند، سبب تحریک عاطفی و جسمانی آن‌ها می‌شود و سپس به محصولات و یافته‌های جامعه و نیز نهادها و مجراهای ارتباطی نفوذ می‌کند که می‌تواند به عنوان حافظه جمعی ارائه شود. با گذشت زمان، الگوهای فرهنگی بسط و توسعه می‌یابند که دست‌کم دارای سه ویژگی

-
10. Bangura
 11. Rivadeneyra
 12. Bartal

به امکانات رفاهی، بهداشتی و اقتصادی، در شأن و منزلت اجتماعی، آداب و رسوم، مناسک، ارزش‌ها و نهاد‌های فرهنگی (مقصودی، ۱۳۸۰: ۵۶).

اسملسر^{۱۴} از عوامل مهم در رفتارهای خشونت‌آمیز را وجود شکاف‌های مذهبی، اقتصادی و قومی بیان می‌کند. جامعه‌ای که در آن شکاف‌های اجتماعی وجود داشته باشد، به صورت بالقوه آستان خشونت است. در چنین وضعیتی، اقلیت‌های قومی - مذهبی و طبقات محروم، انگیزه‌های فراوانی برای خشونت دارند (اسملسر، ۱۳۸۰: ۳۰۵-۳۵۵).

دیوید مایر^{۱۵} تعصب و پیش‌داوری را بر اساس چهار عامل نابرابری اجتماعی، مذهب، درون گروه و برون گروه و تفکیک‌های نمادی، موجب بروز خشونت‌های قومی می‌داند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

جان برتون^{۱۶} (۱۹۹۰) به عنوان متفکری هویت‌محور، ریشه‌درگیری‌ها و خشونت‌ها را در شاخص‌های هویتی جست‌وجو می‌کند.

استیو فنتون^{۱۷} (۲۰۰۴) در جهت شناخت و تبیین منازعات قومی، به دنبال تبیین این مسئله است که چگونه و تحت چه شرایطی مرزهای تمایز و تفاوت به مرزهای تضاد جدی مبدل می‌شوند؟ به عبارت دیگر چرا و چگونه کنشگران تصمیم می‌گیرند تا مطابق با ترغیب و پافشاری وفاداری قومی عمل کنند؟ از نظر فنتون خشونت‌های قومی عمیقاً صبغه تاریخی دارند. همچنین از نظر او منازعات قومی را می‌توان بین گروه‌های قومی تعریف کرد که به وسیله همبستگی قومی (نگاه به درون) یا خصومت قومی (نگاه به بیرون) برانگیخته می‌شوند. قومیت‌ها، هویت‌های

کاملاً مشخص نشده‌اند. به بیان دیگر پژوهشی نظری که بتواند در بیان خویش تبیینی مناسب نسبت به پدیده خشونت قومی ارائه کند وجود نداشت؛ بنابراین نویسندگان مقاله بر آن شدند با استفاده از نظریه زمینه‌ای و از طریق مصاحبه‌های ساختارمند با نخبگان قومی ترک و کرد، تجربه زیسته آن‌ها را جمع‌آوری کرده و به عمق زوایای اجتماعی موضوع پی ببرند.

با توجه به اینکه رویکرد غالب در تحقیق حاضر از نوع تفسیری و روش مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها از نوع روش‌های کیفی است که در جهت درک تفاسیر و معانی درونی کنش‌های معنادار افراد به کار می‌رود، تلاش می‌شود چارچوبی از پیش تعیین‌شده بر واقعیت اجتماعی مورد مطالعه تحمیل نشود و از نظریه‌ها به عنوان راهنمای نظری جهت تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد موضوع مورد مطالعه یا به عبارت دیگر ارتقای حساسیت نظری (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰) استفاده شود. در ادامه برخی از مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط با اهداف تحقیق مرور می‌شوند.

هورویتز^{۱۳} (۱۹۸۵) در کتاب خود به نام «گروه‌های قومی در ستیز»، خشونت قومی را موقعی پرشدت ارزیابی می‌کند که دو گروه قومی به لحاظ اندازه و در اختیار داشتن منابع، تقریباً در حد قابل قیاسی نسبت به یکدیگر باشند. رویارویی گروه‌های مختلف قومی وقتی گریزناپذیر می‌شود که هر یک از گروه‌های قومی، خود را در وضعیت ناعادلانه‌ای متصور کند. این تصویر ذهنی - و حتی عینی، واقعی و ملموس - در حوزه‌های مختلفی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی قابل درک و دریافت است؛ در کسب قدرت سیاسی و اشغال رده‌های بالای حکومتی و درجات کلیدی نظامی، در دسترسی

14. Smelser

15. David Meyer

16. John Burton

17. Fenton

13. Horwitz

قومی است، از رویکرد روش‌شناختی کیفی و روش نظریه زمینه‌ای جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. نظریه زمینه‌ای یکی از بنیادی‌ترین کشف‌های روش‌شناختی در علوم اجتماعی است که می‌تواند به تولید معرفت متقن و باورپذیر منتهی شود (ایمان، ۱۳۹۱). در این روش مانند همه روش‌های کیفی از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. قدرت نمونه‌گیری هدفمند در انتخاب نمونه‌ای غنی از لحاظ اطلاعات برای مطالعه عمیق است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

در تحقیق حاضر از دو شیوه نمونه‌گیری نظری و نمونه‌گیری با حداکثر تنوع که هر دو از جمله شیوه‌های نمونه‌گیری هدفمند هستند استفاده شده است. همچنین روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع جهت انتخاب مشارکت‌کنندگان به کار گرفته شد تا با استفاده از آن حداکثر تنوع موجود در میدان تحقیق در نظر گرفته شود. از این شیوه جهت گزینش مصاحبه‌شوندگان نخبگان گُرد و ترک آذری‌زبان ساکن شهرستان‌های استان آذربایجان غربی با ویژگی‌های متفاوت (از لحاظ سن، وضعیت تحصیلی و شغلی) مطابق جدول شماره ۱ استفاده شد.

با توجه به معیار اشباع نظری، تعداد مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق در مجموع ۲۶ نفر شد که شامل سیزده نفر کردزبان و سیزده نفر ترک آذری‌زبان بودند. با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق از سوژه‌ها (جامعه تحت مطالعه) پرسش‌هایی در محورهای سه‌گانه «چیست»، «چرا» و «چگونه» با در نظر گرفتن الزامات مربوط به تنظیم مدل پارادایمی در باب پدیده مورد مطالعه (خشونت قومی) بر اساس روش نظریه مبنایی پرسیده شد.

فرهنگی و تاریخی مشخصی به شمار می‌روند که نشانگر شکاف‌های اجتماعی عمیقی در سطح دولت - ملت، منطقه، قاره و در سطح نظام جهانی هستند. فنتون معتقد است که برای تبیین خشونت قومی ضرورت دارد که به فراتر از مدل «خود قومیت» یعنی به «شرایط بیرونی» قابل تشخیص نظر بیندازیم و ببینیم آیا مرزهای تمایز را به مرزهای جنگ مبدل می‌کند؟ (Fenton, 2004: 134).

با توجه به اینکه هدف اصلی این مطالعه کاربرد نظریه مبنایی در بساخت اجتماعی خشونت قومی است. نقطه آغاز در پارادایم بساخت اجتماعی جهان اجتماعی، کنشگران اجتماعی هستند. به عبارت دیگر هدف، فهم مبتنی بر تفسیر و درون‌فهمی نحوه برساختن واقعیت نزد کنشگران اجتماعی، مفهوم‌سازی و معنا بخشیدن کنشگران به جهان اجتماعی‌شان و معرفت ضمنی و ناآشکار آنان است. از این رو حصول به چنین معرفتی جز از طریق درون‌فهمی و تفسیر و تعبیر دنیای ذهنی کنشگران و تجارب زیسته آنان و معنایی که آن‌ها به اعمال خود می‌دهند به دست نمی‌آید؛ بنابراین لازم است محقق به دنیای ذهنی کنشگران راه یابد و در معرض تجربه زیسته آنان قرار گیرد تا بتواند انگیزه‌ها، دلایل و توجیه‌های اعمال و کردار آنان را کشف و فهم کند و با زبان فنی و تخصصی گفتمان علوم انسانی و اجتماعی آن‌ها را توصیف کند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۲۰۷-۲۰۸). یکی از مهم‌ترین اصول پارادایم بساخت اجتماعی ناظر بر معنایی است که کنشگران و بازیگران اجتماعی به کنش‌های خود می‌دهند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف اصلی این مطالعه کاربرد نظریه مبنایی در بساخت اجتماعی خشونت

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان ترک و کرد زبان

مشخصات مشارکت‌کنندگان کرد زبان			
کد	سن	شغل	تحصیلات
۱	۲۸	بازاری	دانشجوی لیسانس حقوق
۲	۲۹	کارمند	فوق لیسانس علوم سیاسی
۳	۴۱	آزاد	لیسانس علوم دینی
۴	۴۸	نظامی	فوق لیسانس حقوق
۵	۳۴	خبرنگار	فوق لیسانس ارتباطات
۶	۳۸	کارمند	لیسانس علوم آزمایشگاهی
۷	۴۰	داروساز	دکتری
۸	۵۲	وکیل	فوق لیسانس حقوق
۹	۴۱	فعال رسانه‌ای	لیسانس علوم ارتباطات
۱۰	۵۸	معلم بازنشسته	دکتری جامعه‌شناسی
۱۱	۳۱	آزاد	لیسانس مدیریت
۱۲	۳۸	معلم	فوق لیسانس روان‌شناسی
۱۳	۴۲	آزاد	دانشجوی دکتری مدیریت
۱۴	۶۲	وکیل	لیسانس حقوق
۱۵	۴۸	پزشک	دکتری
۱۶	۳۵	معلم	دکتری جامعه‌شناسی
۱۷	۴۲	برنامه‌نویس	لیسانس کامپیوتر
۱۸	۴۵	استاد دانشگاه	دکتری شیمی
۱۹	۳۰	بازاری	لیسانس حسابداری
۲۰	۵۸	استاد دانشگاه	دکتری ادبیات
۲۱	۳۴	فعال رسانه‌ای	فوق لیسانس ارتباطات
۲۲	۵۱	معلم بازنشسته	دکتری جامعه‌شناسی
۲۳	۴۶	نظامی	فوق لیسانس تاریخ
۲۴	۳۹	آزاد	فوق لیسانس مدیریت
۲۵	۴۱	خبرنگار	لیسانس مدیریت فرهنگی
۲۶	۴۶	کارمند	فوق لیسانس جامعه‌شناسی

۳-۱. کدگذاری باز

در کدگذاری باز سطح اول - به صورت سطر به سطر - به هریک از سطرها مفهوم یا کدی الصاق شد. در این مرحله ۳۰۱ مفهوم به دست آمد که ۲۰۱ مفهوم مربوط به نخبگان کرد و صد مفهوم نیز مربوط به نخبگان ترک آذری زبان بود. در کدگذاری باز سطح دوم با تعیین و مرتب کردن مفاهیم و کدهای مشابه و مشترک در قالب یک مقوله واحد، مفاهیم به دست آمده به ۱۲۱ مفهوم تقلیل پیدا کرد که از این مفاهیم ۱۳ مقوله به دست آمد.

۳-۲. کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، هدف، تقلیل مفاهیم به مقوله‌های انتزاعی‌تر بر پایه ابعاد و ویژگی‌هاست. در این پژوهش، سیزده مقوله محوری از خلال ۲۶ مصاحبه با نخبگان قومی آذربایجان غربی به دست آمد. پس از مرحله کدگذاری باز و تعیین مفاهیم و مقولات، مقولات به دست آمده در نظامی منطقی جهت تولید و ساخت نظریه مبنایی در قالب یک مدل پارادایمی در ارتباط با یکدیگر قرار گرفتند که شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بودند. کدگذاری محوری شامل مرتبط کردن مقوله‌ها با زیرمقوله‌ها در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آنهاست که در قالب جدول‌هایی نشان داده شده‌اند.

۳-۲-۱. شرایط علی

شرایط علی در نظریه مبنایی به چرایی و چگونگی واکنش سوژه‌ها به یک پدیده خاص اشاره دارد. در مقاله حاضر شرایط علی به مجموعه‌ای از علل و عوامل ایجابی و ایجاد پدیده خشونت در بین اقوام آذربایجان غربی از منظر سوژه‌ها اشاره دارد.

برای تحلیل داده‌ها مطابق با سبک نظریه زمینه‌ای از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استفاده شد. اولین مرحله در تحلیل داده‌ها در روش نظریه مبنایی کدگذاری باز است. در این مرحله از دل داده‌های کیفی مفاهیم و مقولات استخراج می‌شوند. مطابق فرایند روش شناختی نظریه مبنایی، طی مرحله اول کدگذاری، از دل داده‌های اولیه کدها و مفاهیم مشخص و استخراج شدند و سپس طی جریان نمونه‌گیری نظری در مصاحبه‌های بعدی مفاهیم جدید اضافه و بر غنا و کیفیت و کمیت مفاهیم قبلی افزوده شد تا در نهایت ۱۲۱ مفهوم به دست آمد. پس از کدگذاری باز نوبت به کدگذاری محوری می‌رسد که در این مرحله مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند و همچنین مقوله هسته معرفی می‌شود. در این پژوهش نیز برای دست‌یابی به اعتباریابی از ملاک‌های اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری (حریری، ۱۳۸۵: ۶۴-۷۰) استفاده شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

پس از خواندن هر مصاحبه، طی چند مرحله، کدگذاری انجام شد. اولین مرحله در کدگذاری سه مرحله‌ای، کدگذاری باز است. به طور کلی، در کدگذاری باز هدف این است که داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم درآیند. کدگذاری باز شامل دو مرحله است: کشف کدهای اولیه و ایجاد مفاهیم متمرکز. پس از بررسی دقیق متون پیاده‌شده و مصاحبه‌ها، مفاهیم مرتبط با موضوع کشف و به عنوان کدهای اولیه و سپس متمرکز در نظر گرفته شدند. کدهای متمرکز در ستون اول کدگذاری محوری بیان شده‌اند.

جدول ۲. مقوله محوری شکاف قومی و مذهبی

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
شکاف قومی و مذهبی	غیریت‌سازی اقوام از همدیگر، ترجیح منافع قومی بر منافع ملی توسط نمایندگان مجلس در استان، تشدید اختلافات هویتی بعد از وقایع سال ۸۵، به حساب نیاوردن سایر گروه‌های زبانی و قومی در مراسمات ملی، ایجاد پروژه کرد / ترک‌هراسی (تروریسم‌انگاری، دشمن، مهاجر، غیرایرانی و بیگانه دیدن)، داشتن قرائت‌های متفاوت از حوادث تاریخی مشابه، برتری زبان قومی نسبت به دین مشترک، زدن انگ تجزیه‌طلبی به فعالان قومی

از جمله این عوامل که سبب می‌شوند خشونت‌های قومی در آذربایجان غربی بروز یابد، شکاف قومی و مذهبی است.

درجه خود صورت می‌پذیرد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۰۲).

مشارکت‌کننده ۷ می‌گوید: «طنین طرد و تکفیر در گفتار کسی که با زبان بی‌زبانی نه، بلکه آشکارا می‌گوید چون خودی نیستید، نباید انتظاری بیش از این داشته باشید، روشن‌تر از آن است که نیازی به استدلال داشته باشد».

مفهوم شکاف قومی و مذهبی در بردارنده مبارزه بر سر منافع و منابع است و می‌تواند تحت تأثیر سطح توسعه جوامع یا به شکل نهادینه یا صورت خشن و پیکارجویانه پدیدار شود (نوریس و کدی، ۱۳۸۸: ۱۵).

درواقع، مسئله زمانی پدیدار می‌شود که شکاف‌های اجتماعی بر هم بار شده، به اصطلاح متراکم می‌شوند، اما آنچه جامعه را به پرتگاه نزاع‌های زبان‌بار یا به اصطلاح افراط‌گرایی سوق می‌دهد شکاف‌های متخاصم است. شکاف‌های تخصصی ناشی از اختلاف بر سر موضوعات هویتی - قومی، اعتقادی و ایدئولوژیک هستند. به دلیل آنکه طرفین درگیر، حفظ منافع یا موجودیت خود را در گرو حذف طرف دیگری بیند، در نتیجه نزاع در بالاترین

مشارکت‌کننده ۱۴ می‌گوید: «به خاطر انتشار نشریه‌ای به زبان فارسی و ترکی به دادگاهی در تهران احضار شدم، من اگر نتوانم به زبان خود بنویسم و احساسات واقعی خود را با زبان خودم نتوانم بیان کنم و به هویتم نتوانم افتخار کنم، به ایرانی بودن خود نیز نخواهم توانست افتخار ورزم»

یکی دیگر از زمینه‌های بروز خشونت قومی از نظر نخبگان کرد و ترک ضعف ارتباطات میان‌فرهنگی است. با افزایش آگاهی و شناخت قومیت‌ها از

جدول ۳. مقوله محوری ضعف ارتباطات میان فرهنگی - قومی

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
ضعف ارتباطات میان فرهنگی - قومی	کمبود دانش و تجربه عمومی در خصوص فرهنگ اقوام، عدم آموزش درک تفاوت‌ها و شباهت بین خرده‌فرهنگ‌های مختلف در استان، عدم احترام به ارزش‌های فرهنگی اقوام، بی‌توجهی به تعامل قومی در نظام آموزشی، تمسخر زبان و لهجه یک گروه قومی به دلیل آشنا نبودن سایر اقوام با گویش‌های مختلف آن زبان، نبود زبان مشترک گفت‌وگو بین اقوام، نژادپرستی و عدم تساهل با دیگران، عدم احترام به آداب و رسوم مذهبی دو قوم، وجود ضرب‌المثل‌هایی که مانع ارتباط بین قومی می‌شوند

جدول ۴. مقوله محوری بازنمایی خشونت در رسانه‌ها

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
بازنمایی خشونت در رسانه‌ها	بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های کشورهای همسایه برای تبلیغ ایده‌های قومی، سوءاستفاده از مطبوعات محلی و شبکه‌های مجازی نظیر فیسبوک، تلگرام و اینستاگرام و ترویج جریانات قوم‌مدارانه، برجسته‌سازی اختلافات قومی و پررنگ کردن روابط عشیره‌ای در کانال‌های تلگرامی، سوق دادن تعارضات قومی از طریق کانال‌های تلگرامی به میان افراد عادی

رسیدن به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز، «گفت‌وگو» است (Longxi, 2009: 202).

یکی دیگر از زمینه‌های بروز خشونت قومی، بازنمایی خشونت در رسانه‌هاست. ظهور نظریه گلوله جادویی یا سوزن تزریق، شاید گویاترین گزینه و توصیف برای نشان دادن تأثیرات بی‌چون و چرای رسانه‌ها بر مخاطبان است به باور برخی محققان، رسانه هر جا که باشند از چنان قدرتی برخوردارند که می‌توانند عقاید، باورها، عادات زندگی و الگوهای رفتارها را مطابق میل کنترل‌کنندگان آن درآورده یا تغییر دهند (مک کوایل، ۱۳۸۵: ۳۵۵).

مشارکت‌کننده ۵ اشاره می‌کند: «چند وقت پیش در شبکه‌های اجتماعی زده بودند که دو شهروند اشنویه‌ای آمده‌اند و در شهر نقده یک نمایشگاه‌دار اتموبیل را به قتل رساندند. تصور کنید اگر دو تا شبکه اجتماعی یا کانال تلگرامی روی این قضیه مانور بدهد تا چه اندازه آتش خشم بین دو قوم شعله‌ور می‌شود. مردمان عادی این ذهنیت برایشان پیش می‌آید که شهروندان کرد اشنویه با شهروندان ترک نقده مشکل دارند، اما بعد از اندکی تحقیق دریافتم که فرد کشته‌شده نیز یک فرد کردزبان ساکن نقده بوده است. اما تا حقیقت ماجرا روشن شود رسانه کار خود را می‌کند».

یکی از زمینه‌های بروز خشونت‌های قومی در

یکدیگر و رفع سوءتفاهمات احتمالی، زمینه کاهش خشونت فراهم می‌شود. در طول تاریخ ریشه بسیاری از اختلافات و جنگ‌های درون‌کشوری ناشی از سوءادراک و فقدان شناخت قومیت‌ها نسبت به یکدیگر بوده است؛ چنان‌که پس از جنگ جهانی دوم اغلب رهبران جهان متوجه این نکته شدند که علت اصلی ایجاد دشمنی و کینه‌هایی که جنگ‌های خانمان‌سوز را موجب می‌شوند، سستی روابط معنوی مردم کشورهای مختلف و البته آگاهی نداشتن آنان نسبت به احوال یکدیگر است (رضایی و زهرای، ۱۳۹۰: ۸۸).

مشارکت‌کننده ۶ می‌گوید: «عدم احترام به سنت‌های کردی و رفتار غیرمنصفانه با آداب و رسوم کردی نظیر لازه و هیران توسط ترک‌ها موجب آزدگی خاطر کرده‌ها شده».

مشارکت‌کننده ۱۹ می‌گوید: «ما در بحث قومیتی تنها با نخبگان و فعالان قومی سروکار نداریم، بلکه گروه‌های فشار ترکی و کردی نیز به عنوان مانع شکل‌گیری شرایط بسامان فعالیت مداوم دارند».

بر این اساس، طبق نظر نخبگان هرچه در روابط میان دو قوم، شناخت آن‌ها از یکدیگر افزون‌تر شود، احتمال شکل‌گیری سوءتفاهم و تصورات اشتباه میان آن‌ها کاهش می‌یابد؛ چراکه با وجود فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف، تنها فرصت برای دستیابی به حقیقت و

جدول ۵. مقوله محوری روابط قدرت قومیتی

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
روابط قدرت قومیتی	قدرت انحصاری بر مبنای تعداد نمایندگان هریک از گروه‌های قومی، غیبت یک گروه قومی در نهادهای سیاسی و مراکز راهبردی قدرت نظیر شورای نگهبان، سپاه و غیره، انحصار موقعیت‌های عمده اجتماعی توسط یک قوم، احتکار قدرت، مشارکت ندادن سایر اقوام در تصمیم‌گیری‌ها، کاست بسته مدیریتی، دخالت ندادن همه قومیت‌ها در روند توسعه مرکز استان، محدودیت رشد بوروکراتیک، باور به عدم اعتماد یکسان دولت به اقوام

همه این‌ها فراهم کردن زمینه شراکت واقعی و برابر همه اقوام در اداره استان است.

بر اساس مفاهیم استخراج‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان، روابط قدرت قومیتی شامل مجموعه‌ای از مقوله‌هایی است که در یک سوی آن، قدرت انحصاری بر مبنای تعداد نمایندگان هریک از گروه‌های قومی در آن قرار دارد و در سوی دیگر احتکار قدرت از سوی یک قوم و گروه قرار دارد.

به نظر مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از عواملی که می‌تواند منجر به بروز خشونت بین دو قوم شود عدم رعایت حقوق شهروندی آنان است. مارشال^{۱۸} با طراحی جدید مفهوم شهروندی، مصادیق آن را در بهره‌مندی از سه حق (شهروندی مدنی، شهروندی سیاسی و شهروندی اجتماعی) می‌بیند که به واسطه ایجاد نهادهای مناسب، توسعه می‌یابد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۵۴).

18. Marshall

استان آذربایجان غربی از نظر نخبگان، روابط قدرت قومیتی است. روابط قدرت قومیتی مشخص می‌کند که قدرت حکومتی چقدر نمایانگر گروه‌های قومی دارای موضوعیت است و میزان دسترسی گروه‌های قومی به لحاظ سیاسی به قدرت دولت مرکزی را نشان می‌دهد (ویمر، ۱۳۹۶: ۴۱۶).

مشارکت‌کننده ۱ می‌گوید: «ذهنیت تنگ‌نظرانه‌ای درباره اقوام نسبت به یکدیگر وجود دارد؛ به طوری که شما اگر مردمی را در قدرتی که برخاسته از اراده خودشان باشد سهیم نکنید شکاف به وجود می‌آید و رفته‌رفته این شکاف منجر به تقابل می‌شود».

مشارکت‌کننده ۸ می‌گوید:

«گره کار در ارومیه تنها دستگاه اداری شهر و استان است. دیوان‌سالاری در ارومیه قلعه‌ای بسته است و لازمه حفظ وحدت و یکپارگی باز کردن درهای این قلعه به روی قوم محروم از قدرت و شکافتن کاست بسته مدیریتی است. شرط تحقق

جدول ۶. مقوله محوری عدم رعایت حقوق شهروندی

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
عدم رعایت حقوق شهروندی	شهروند درجه ۲ و ۳ بودن برخی از گروه‌های قومی از دیدگاه دولت محلی، عدم بکارگیری جوانان گروه قومی با تحصیلات عالی توسط دولت محلی در مناطق کرد نشین، نداشتن حق کرامت و احترام، عدم شفافیت در برگزاری و اعلام نتایج انتخابات مجلس و شوراهای شهر در مناطق دوقومیتی، رد صلاحیت و اعمال سلیقه‌های خاص در انتخابات و گزینش‌های استخدا می

جدول ۷. مقوله محوری عدم استقرار جامعه مدنی

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
عدم استقرار جامعه مدنی	عدم شکل گیری نهادهای مدنی و انجمن ها در بحث تعامل قومی، تشدید محلی گرایی توسط مسئولین دولتی، ضعف در آموزش ارزش های اجتماعی و تعاملات همزیستی توسط نهاد آموزش و پرورش، عدم ارائه آموزش های رسمی تعامل بین قومی در استان به دلیل ژئوپلیتیک خاص منطقه، عدم پایبندی دولت به اجرای اصول قانون اساسی در مورد قومیت ها

هنجارها و کنش ها به نوعی نفی قوم محوری^{۱۹} است. چراکه رویارویی تمدن ها، راه را برای بحث خردمندان می گشاید و مانع از تحمیل دیدگاه های مبتنی بر قوم مداری می شود (خبیری، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

مشارکت کننده ۲۲ می گوید:

«بین توده های مردم اعم از کرد و ترک آذری ارتباط وجود دارد. ولی این ارتباطات توده های نهادمند نشده است. در بحث تعاملات مثبت بین قومی انجمن ها و نهادهای مدنی شکل نگرفته است، اقوام به شکل رسمی هیچ نوع زبان گفت و گو با هم ندارند، با هم فاصله دارند و مشارکت و تعاملی هم در حوزه رسمی به آن صورت در بینشان دیده نمی شود و تنها محل مشارکت رسمی این دو قوم در انتخابات ریاست جمهوری است که خطوط تعارض بین دو قوم کم رنگ می شود و با هم همکاری می کنند».

19. Ethnocentrism

مشارکت کننده ۱۰ می گوید: «اکثریت کاندیداهای هم قوم من در قدم اول به خاطر قومیتشان در انتخابات گوناگون و در ادوار مختلف رد صلاحیت می شوند».

از دیگر عواملی که به نظر نخبگان منجر به بروز خشونت های بین اقوام در استان می شود عدم استقرار جامعه مدنی در استان آذربایجان غربی است.

جامعه مدنی، جامعه ای است مبتنی بر گفت و گو. در این معنا برای گفت و گو حداقل به دو عنصر قاعده گفت و گو و ابزار آن نیاز است. بنابراین جامعه مدنی را می توان در دو مفهوم کلی خلاصه کرد. مفهوم اول، قانون است که جامعه مدنی در حالت کلی، جامعه ای قانونمند و قانون مدار تلقی می شود. مفهوم دوم، نقش و جایگاه واسطه ای است، به این معنا که جامعه مدنی، فضای میان اقتدار و مردم است و به نوعی، یک عنصر ارتباطی است. در جامعه مدنی، تکثر اندیشه ها،

جدول ۸. مقوله محوری تبعیض

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
تبعیض	کولبران به عنوان نماینده سیمای اقتصاد رنجور، توزیع نامناسب و ناعادلانه اعتبارات و امکانات شهری در مناطق مختلف قومیتی، عدم استفاده از نشان ها و مفاخر ادبی همه گروه های قومی در نصب یادمان ها، محدودیت رعایت اجرای مراسم مذهبی گروه قومی، محدودیت نشر یا سخن گفتن به زبان یا لهجه در ادارات و دانشگاه ها، محدودیت آموزش به زبان قومی، برابر نبودن خانواده شهدای ترک و کرد جنگ تحمیلی، محدودیت در تأسیس مؤسسات فرهنگی هنری، محدودیت در دستیابی به مناصب عالی، تعریف نادرست روابط انسانی بین اقوام توسط نظام سیاسی

جدول ۹. مقوله محوری ناسیونالیسم قومی

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
ناسیونالیسم قومی	خیال یکی بودن مردم ترک / کرد با مردمان آن سوی مرز، ادعای ارضی ترک‌های آذری زبان / کردها نسبت به شمال غرب ایران و تمامیت‌خواهی آن‌ها، یادبود افراطی نخبگان ترک / کرد در استان، ایده‌های بلندپروازانه گروه‌های قومی در خصوص تشکیل دولت مستقل، القای قربانی شدن گروه‌های قومی در سیستم نابرابر توسط نخبگان قومی علی‌رغم حضور آن‌ها در اکثر حوزه‌ها، سهم‌خواهی قومی، خاطره‌سازی و افسانه‌سازی برای مظلوم‌نمایی

آنتونی اسمیت^{۲۱} ریشه ناسیونالیسم را در قومیت و دوران ماقبل مدرن جست‌وجو می‌کند؛ یعنی معتقد است که ملت‌های جدید، بدون یک عقبه و میراث فرهنگی شکل نمی‌گیرند (اوز کریملی، ۱۳۸۳: ۲۰۹). اسمیت در تداوم و استمرار اقوام، شکل‌گیری ملت‌ها و ناسیونالیسم، بر عناصر ذهنی تأکید می‌کند. در واقع او تأثیر عوامل عینی را انکار نمی‌کند، ولی اهمیت بیشتری به عناصر ذهنی خاطره، ارزش، احساسات، اسطوره و نماد می‌دهد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۸۴).

مشارکت‌کننده ۹ بر این باور است:

«گفتمان پان‌ترکیسم مانع بازنمایی آیین‌های نوروزی دیگر اقوام ساکن در استان و مرکز آن همانند کردها می‌شود. چراکه اگر کردها در مراسمات نوروزی شهر ارومیه سهیم شوند و آیین‌های تاریخی خود را در خصوص نوروز عرضه کنند، پازل مجعول اوغوز نامیدن نوروز باستانی به هم می‌ریزد و این خلاف استراتژی گفتمانی پان‌ترکیسم در خصوص ادعای ارضی نسبت به شمال غرب ایران است.»

مشارکت‌کننده ۱۶ می‌گوید: «همان‌طوری که آذربایجان غربی از نامش پیداست، اکثریت مردمان آن از ماکو گرفته تا تکاب ترک‌زبان هستند، ولی با این حال ما منکر حضور سایر اقوام در تاریخ این

تبعیض، بهره‌مندی یک فرد یا یک گروه است در مقایسه با بی‌بهرگی^{۲۰} و محرومیت گروه یا فرد دیگر. بدین ترتیب تبعیض همواره حالتی مقایسه‌ای دارد؛ یعنی مثلاً اگر همه افراد جامعه یا بیشتر آن‌ها از شماری از حقوق یا منابع محروم باشند، در اینجا تبعیضی روی نداده است یا اگر دولت محدودیت خاصی را برای همه گروه‌ها به صورت یکسانی اعمال کند (مثلاً ممانعت از فعالیت سیاسی گروه‌های مذهبی) تبعیض وجود نخواهد داشت.

مشارکت‌کننده ۹ می‌گوید: «چگونه است که تاکنون در ده‌ها جشنواره مختلف فرهنگی که به میزبانی شهرداری ارومیه برگزار شده است از ظرفیت غنی فرهنگ و هنر سایر اقوام این شهر علی‌الخصوص شهروندان هم‌قوم من استفاده نشده است. این اقدامات توسط مجموعه مدیریت شهری باعث ایجاد کینه و نفرت در قلب شهروندان هم‌زبان من می‌شود.»

آنچه از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان دریافت این‌که تبعیض در استان شامل تبعیض اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که این تبعیض‌ها گاه حاصل پراتیک شایع و رایج اجتماعی است که به بازتولید مرزهای نمادین بین دو قوم می‌انجامد.

21. Anthony Smith

20. Disadvantage

۳-۲-۳. شرایط مداخله‌گر و میانجی^{۲۳}

منظور از شرایط مداخله‌گر وضعیت‌هایی است که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تأثیرگذار هستند. به عبارت دیگر این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌کنند. در این پژوهش شرایط مداخله‌گری که به کارگیری راهبردها را تسهیل یا محدود می‌کنند، شامل تحولات آن‌سوی مرز و توجه به نقش همسایگان هویتی، الگوی رأی‌دهی قومی، رویدادهای تنش‌زای تاریخی در استان، نقش نخبگان سایر گروه‌های قومی و عدم تفکیک حوزه‌های انتخاباتی با بافت جمعیتی ناهمگن است.

مشارکت‌کننده ۱۳ می‌گوید:

«با توجه به رشد تکنولوژی و وجود رسانه‌های مختلف، مردم این زمان در مقایسه با مردمان اول انقلاب آگاه‌تر شده‌اند، ولی هنوز پتانسیل‌های درگیری بین دو قوم وجود دارد. برای مردم عامه پای صندوق‌های رأی، شایسته‌سالاری معنی ندارد و همیشه رأی‌ها قومی هستند. همین مردم می‌توانند با هر جرقه‌ای علاوه بر بی‌توجهی‌های صورت گرفته به علایق و هویت آن‌ها در سال‌های مختلف به تنش و درگیری سوق داده شوند».

۳-۲-۴. راهبردها

به نظر مشارکت‌کنندگان از جمله راهبردهایی که می‌تواند از بروز خشونت قومی جلوگیری کند؛ مدارای اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، قدرت، منزلت و سیاست‌گذاری اجتماعی است. سیاست‌گذاری اجتماعی شکلی از دخالت دولت است که ضمن

منطقه نیستیم، آن‌ها در کنار ما زندگی می‌کنند اما برخی از مسئولین به اشتباه یا عمداً استان آذربایجان غربی را استان ارومیه عنوان می‌کنند که این بزرگ‌ترین اشتباه است و موجب عصبانیت و تنفر هم‌قومی‌های من در این منطقه می‌شود»

۳-۲-۲. زمینه و بستر

شرایط زمینه‌ای^{۲۲} مجموعه خاصی از شرایط است که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوالی را به وجود آورند که اشخاص (گروه‌ها) با عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای، ریشه در شرایط علی و دخیل دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند. از زمینه‌هایی که در آن راهبردهای مربوط به پدیده خشونت قومی بسط یافته‌اند، وجود ریشه قومی و حساسیت قومی، تفاوت‌های مذهبی و بافت ناهمگون جمعیتی است.

مشارکت‌کننده ۲۰ در این زمینه می‌گوید:

«در استان آذربایجان غربی در مقاطعی از تاریخ افتخار به هویت پررنگ شده است، من جمله از سال ۱۳۸۵ به این طرف، زمانی که برخی آگاهانه یا ناآگاهانه درصدد تحقیر و توهین به قوم ترک برآمدند، همین باعث شد، مردم در استان به هویت ترک بودنشان بیشتر بها دهند و حتی در مراسمات عروسی بعد از پایان مراسم با نامبردن از رشادت‌های مردمان ترک در گذشته‌های مختلف در جنگ با سایر اقوام همچون بابک خرمدین، هویت قومی خود را برجسته می‌کردند».

23. Interventional

22. Contextual conditions

جدول ۱۰. مقوله محوری مدارای اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، قدرت، منزلت و سیاست‌گذاری اجتماعی

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
مدارای اجتماعی	ترویج فرهنگ صلح، دوستی و احترام بین‌قومی، گسترش فضای فرهنگی صادقانه بین فعالین فرهنگی دو قوم، مدارای قومی، تقویت ارزش‌های مشترک بین اقوام توسط نخبگان قومی، تحمل عقاید یکدیگر، تساهل و مدارا، همدلی قومی - فرهنگی، گفت‌وگوی بین‌قومی از طریق مذاکره میان نخبگان، بازیابی عاطفی و بسترسازی برای ابراز هویت اقوام و شهروندان، ترویج گفت‌وگو میان شهروندان
سیاست‌گذاری اجتماعی	هزینه کردن دولت‌ها در حوزه بهبود روابط قومی، ایجاد امنیت نرم و دوری از امنیت سخت، ایجاد مدیریت حل تعارضات قومی در استان، تزریق ثروت‌های ملی به مناطق مرزی، برقراری مساوات بین اقوام در زمینه توسعه اقتصادی و رفع محرومیت‌ها، تقویت فرهنگی قومیت‌ها با ایجاد ساختارها توسط دولت، رعایت قانون و پایبندی به اجرای اصول قانون اساسی توسط دولت، تحقق جامعه مدنی و برابری انسان‌ها
توزیع عادلانه ثروت، قدرت و منزلت	وارونگی هنجاری، قائل شدن شناس و فرصت منصفانه برای همه اقوام، استفاده از الزام‌های وحدت توسط شهرداری‌ها در نصب یادمان‌ها، توزیع مناسب پست‌های مدیریتی به تناسب جمعیت هر قوم، رعایت حقوق شهروندی اقوام، اصلاحات تدریجی و ساختاری با مشارکت مردم و جامعه مدنی

فرهنگی یکدیگر را پی گیرند».

مشارکت‌کننده ۲۲ می‌گوید: «در ایران بایستی هویت‌های قومی را تعریف و به رسمیت بشناسند و به چشم یکسان به همه اقوام نگاه کنند و سعی کنند ارتباط هویت قومی و هویت ایرانی بودن را تقویت کنند. همچنین با از بین بردن تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و دادن اختیارات بیشتر به استان‌ها و تزریق منابع ملی به حاشیه کشور و ساکنان مناطق مرزی تهدیدها را تبدیل به فرصت کنند».

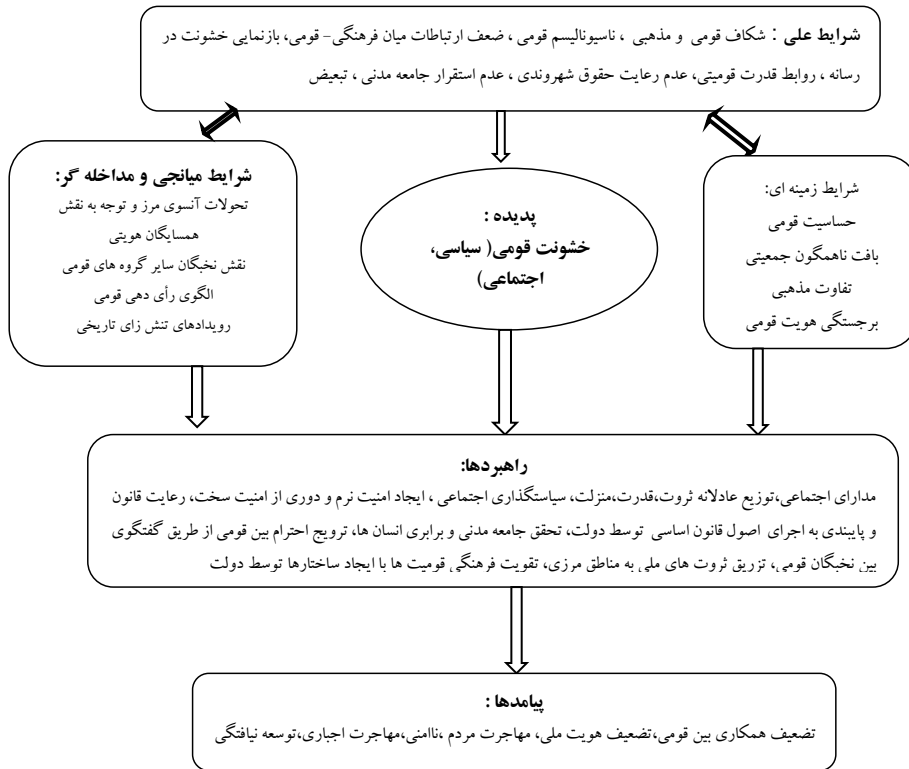
۳-۲-۵. پیامدها

دیگر اصطلاح پارادایمی در روش نظریه مبنایی استراوس و کوربین پیامدهاست. به زعم آنان هر جا راهبردی یا انجام عملی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی اتخاذ شود، پیامدهایی به همراه دارد. در مقاله حاضر هریک از راهبردهای پیشنهادشده از سوی سوژه‌ها که راهبردهای کاهش خشونت بین اقوام را شامل می‌شود، پیامدهایی را نیز نظیر عدم

تحقق انصاف و عدالت اجتماع، نابرابری‌های ساختاری را تقلیل داده و از تفریق و واگرایی سیاسی و اجتماعی می‌کاهد و متقابلاً پیوستگی و تعلق شهروندان به مای جمعی، نظام اجتماعی و سیاسی را تقویت می‌کند (Dani and Hann, 2008: 68).

به نظر نخبگان سیاست‌گذاری اجتماعی همچنین با رویکرد برابرگرایی خود ضمن زدودن احساس محرومیت و تبعیض، ظرفیت‌های تعامل بین گروه‌های قومی و اجتماعی را توسعه داده و با گسترش شعاع درون گروه‌های قومی، اجتماع تصویری را به جامعه عینی و واقعی مبدل می‌کند و با رویکرد عام‌انگار خود اجتماعی عدالت‌محور می‌آفریند و از این طریق پتانسیل‌های قطبی کردن و تفکیک و تمایز را در جامعه خنثی می‌کند و جامعه‌ای برابر، منصفانه و برخوردار از حقوق اجتماعی و عاری از هرگونه خشونت را می‌پروراند.

مشارکت‌کننده ۱ می‌گوید: «اقوام ساکن در استان آذربایجان غربی بایستی همدلی و همکاری و مدارا و تساهل میان خود و با احترام به هویت‌ها و ارزش‌های



تصویر ۱. مدل پارادایمی خشونت قومی

انقلاب در شهرهای جنوبی استان شد که منجر به مهاجرت افراد زیادی از شهرهای جنوب استان شد» مشارکت کننده ۱۸ می گوید: «پیامدهای خشونت بین نمایندگان ترک و کرد در استان بدین صورت خود را نشان خواهد داد که همکاری بین قومی

سرمایه گذاری در استان، واپسماندگی استان، تضعیف هویت ملی و انسجام داخلی ایران، محرومیت فزاینده و فقر، بی اعتمادی بین اقوام و دولت، مهاجرت و کوچ ساکنان بومی را در بر دارد. مشارکت کننده ۵ می گوید: «نمی شود منکر بعضی از قضایای اتفاق افتاده در اوایل

جدول ۱۱. مقوله محوری تهدید امنیت پایدار

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
تهدید امنیت پایدار	تضعیف همکاری بین قومی، مهاجرت مردم، تشدید ناامنی روانی و زیستی، تهدید هویت ملی، شکوفا نشدن اقتصاد استان، عدم سرمایه گذاری به دلیل فرار سرمایه، توسعه نیافتگی

جدول ۱۲. مقوله محوری خشونت قومی

مقوله محوری	تقلیل مفاهیم متمرکز
خشونت قومی	تفرق قومی، زبان‌کشی، ارباب مردم منطقه توسط افراد مسلح گروه‌های قومی، آشوب و به آتش کشیده شدن اموال، گسترش ترور، بمب‌گذاری، قتل عام یک گروه قومی توسط جیلوها یا همدستی برخی اقوام دیگر در گذشته، کشتن سربازان مدافع امنیت از گروه‌های قومی زبانی دیگر، مشروع دانستن اعمال قدرت و ظلم به یک گروه قومی از طرف سایر گروه‌های قومی، بروز درگیری‌های احتمالی بعد از رأی‌گیری در انتخابات، آزار و اذیت روانی، کشته شدن کولبران

۴. بحث و نتیجه‌گیری

با مرور مطالعات انجام‌شده در این زمینه مشخص می‌شود اکثر پژوهش‌های یادشده با روش کمی انجام گرفته‌اند و عمدتاً بر بُعد سیاسی خشونت تأکید کرده‌اند. در حالی که خشونت قومی گفتمانی است که می‌تواند به منبعی برای بازتولید مرزها و تمایزهای قومیتی و همچنین تفسیر جهان برای انسان‌های عادی جامعه نیز بدل شود؛ از این رو برای درک هرچه بیشتر این پدیده به دیدگاه‌های کنشگرانی که مولد این گفتمان به شمار می‌آیند رجوع شد. البته در جریان پژوهش‌های علمی به‌خصوص در مطالعات علوم اجتماعی، گاهی یک رشته مسائلی حادث می‌شود که ممکن است نتایج تحقیق را زیر سؤال برده و لطامت سنگینی به آن وارد کند. در این تحقیق محدودیت‌های حادی که لطمه جبران‌ناپذیری به نتایج تحقیق وارد کنند، مشاهده نشد ولی با وجود این، دشواری مصاحبه با نخبگان قومی و فکری گاه به دلیل جایگاه برخی از آنان در رده‌های مختلف دولتی و بی‌رغبتی برخی از آن‌ها در همکاری با پژوهشگر و احتیاط قابل توجه در بیان نظرات خود در روند مصاحبه‌ها، موجب شد که قبل از مصاحبه بخش زیادی از زمان، صرف جلب اعتماد سوژه‌ها شود تا مصاحبه‌ها انجام شود و به مرحله ثبت نظرات برسد.

کمتر می‌شود و به تضعیف اجتماعی و جامعه منجر می‌شود و توسعه اتفاق نمی‌افتد. فرار سرمایه‌ها، مغزها و فرار منابع از استان یکی دیگر از پیامدهای شکل‌گیری رفتار خشونت‌آمیز در ابعاد مختلف آن بین نمایندگان دو قوم است.

۳-۲-۶. پدیده کدگذاری گزینشی

همان‌گونه که گفته شد، هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است، نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری گزینشی (بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند.

در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به هم می‌ریزد و به صورت ترسیمی، نظریه نهایی را نشان می‌دهد.

و کوربین در نظریه مبنایی از منظر کنشگران نخبه قومی که ناظر بر مجموعه خاصی از شرایط است مشتمل بر حساسیت قومی، برجستگی هویت قومی، بافت ناهمگون جمعیتی و تفاوت مذهبی است؛ به طوری که جان برتون^{۲۷} (۱۹۹۰) به عنوان متفکری هویت‌محور، ریشه‌های درگیری‌ها و خشونت‌ها را در شاخص‌های هویتی جست‌وجو می‌کند.

شرایط میانجی و مداخله‌گر از منظر سوزده‌ها که اشاره به وضعیت‌هایی دارد که بر اتخاذ راهبرد و کنش و تعامل تأثیرگذار هستند و ناظر بر شرایطی نظیر نقش نخبگان سایر گروه‌های قومی، تحولات آن‌سوی مرز و توجه به نقش همسایگان هویتی، مداخله کشورهای خارجی و اقلیت‌سازی توسط استعمار، رویدادهای تنش‌زای تاریخی و الگوی رأی‌دهی قومی است. فنتون^{۲۸} (۲۰۰۴) معتقد است خشونت‌های قومی عمیقاً صبغه تاریخی دارند. همچنین محموداوغلی و اصغری نیازی (۱۳۹۶) معتقدند همانندی‌های فرهنگی، قومی، مذهبی با دو کشور بحران‌زده افغانستان و پاکستان و تقویت گروه‌های تروریستی توسط عوامل خارجی بر میزان خشونت در سیستان و بلوچستان تأثیرگذار است. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی مشابه استان آذربایجان غربی و استان سیستان و بلوچستان تحولات آن‌سوی مرز در اقلیم کردستان عراق، جمهوری آذربایجان و جمهوری ترکیه با توجه به نقش همسایگان هویتی در تحولات استان آذربایجان غربی در چند دهه اخیر مشهود و تأثیرگذار بوده است. نتیجه مقاله حاضر با یافته‌های تسگا آتفا (۲۰۱۹) که عوامل اساسی

در باب مفهوم خشونت قومی سوزده‌های تحت مطالعه معتقد بودند که مفهوم خشونت قومی منحصرأ شامل درگیری قومی نمی‌شود، بلکه ابعاد وسیع‌تری شامل خشونت اجتماعی و سیاسی را نیز شامل می‌شود. شرایط علی منجر به بروز پدیده خشونت قومی از منظر سوزده‌ها که در مدل پارادایمی نیز مطرح شد، طیف وسیعی از شرایط و طیف وسیعی از شرایط نظیر شکاف قومی و مذهبی، ناسیونالیسم قومی، ضعف ارتباطات میان فرهنگی - قومی، بازنمایی خشونت در رسانه، روابط قدرت قومیتی، عدم رعایت حقوق شهروندی، عدم استقرار جامعه مدنی و تبعیض را دربر گرفت. نتیجه مقاله حاضر با یافته‌های تسگا آتفا^{۲۴} (۲۰۱۹)، سدرمن^{۲۵} و همکاران (۲۰۱۰)، عباسی و همتی (۱۳۹۲)، رضایی و همکاران (۱۳۹۱)، قاراخانی (۱۳۸۸) و اسملسر^{۲۶} که از عوامل مهم در رفتارهای خشونت‌آمیز را وجود شکاف‌های مذهبی، اقتصادی و قومی بیان می‌کنند، همسو و در یک راستا بود. رضایی و همکاران (۱۳۹۱) تبلور اختلاف میان اهل تشیع و تسنن و تلفیق آن با هویت‌های قومی در سیستان و بلوچستان را گفتمانی برای توجیه خشونت‌های سیاسی می‌دانستند. سدرمن و همکاران (۲۰۱۰) معتقد بودند که نمایندگان گروه‌های قومی که بیشتر از قدرت دولتی محروم می‌شوند، بیشتر در معرض ابتلا به اختلافات با دولت قرار می‌گیرند و ظرفیت بسیج آن‌ها بالاتر است و خطر درگیری‌های خشونت‌آمیز به واسطه آن‌ها افزایش می‌یابد.

شرایط زمینه‌ای بر اساس مدل پارادایمی استراوس

24. Etefa

25. Cederman

26. Smelser

27. John Burton

28. Fenton

تدریجی و ساختاری با مشارکت مردم و جامعه مدنی) در زمره راهبردهایی بود که سوژه‌ها جهت کاهش خشونت‌های قومی در استان آذربایجان غربی به آن‌ها اشاره داشتند. لانگزی^{۲۹} (۲۰۰۹) معتقد است در جوامعی با وجود فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف، تنها فرصت برای دستیابی به حقیقت و رسیدن به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز، «گفت‌وگو» است. دانی و هان^{۳۰} (۲۰۰۸) معتقدند سیاست‌گذاری اجتماعی شکلی از دخالت دولت است که ضمن تحقق انصاف و عدالت اجتماع، نابرابری‌های ساختاری را تقلیل داده و از تفرق و واگرایی سیاسی و اجتماعی می‌کاهد و متقابلاً پیوستگی و تعلق شهروندان به مای جمعی، نظام اجتماعی و سیاسی را تقویت می‌کند.

از منظر سوژه‌ها بروز خشونت‌های قومی ناظر بر پیامدهای متنوعی نظیر مهاجرت اجباری قومی و تهدید امنیت ملی پایدار مشتمل بر پیامدهایی همچون تشدید ناامنی روانی و زیستی مردم منطقه، تهدید هویت ملی و تمامیت ارضی ایران، شکوفا نشدن اقتصاد استان، واگرایی، تضعیف همکاری بین‌قومی، تضعیف هویت ملی و توسعه‌نیافتگی استان آذربایجان غربی است.

با توجه به ضعف ارتباطات میان‌فرهنگی - قومی و نظر به سابقه زیست چند صدساله اقوام مختلف در استان، فقدان ارزش‌های مشترک بین اقوام مختلف ساکن و نقش ناسیونالیسم قومی بر شدت این خشونت خواهد افزود. رویدادهای اتفاق افتاده در سال‌های اخیر موجب شده تا نخبگان قومی، نه تنها از قدرت اسطوره‌ها، سمبل‌ها، احساسات، مذهب، فرهنگ، سنت، تاریخ و زبان بهره بجویند، بلکه با دست بردن در حافظه تاریخی و با ترکیب تخیل و

درگیری بین اورومو و پوکوو در تانتا دلتا در آفریقا را به انتخابات مرتبط می‌دانست، همسوست.

بر اساس مدل پارادایمی نظریه مبنایی استراوس و کوربین، سوژه‌ها به راهبردهایی به مثابه مکانیسم و سیاستی در برخورد با پدیده خشونت قومی اشاره داشتند که با اتخاذ آن‌ها خشونت قومی در جامعه کاهش می‌یابد. مدارای اجتماعی (مشتمل بر مفاهیمی چون ترویج فرهنگ صلح، دوستی و احترام بین قومی، گسترش فضای فرهنگی صادقانه بین فعالین فرهنگی دو قوم، مدارای قومی، تقویت ارزش‌های مشترک بین اقوام توسط نخبگان قومی، تحمل عقاید یکدیگر، تساهل و مدارا، همدلی قومی - فرهنگی، گفت‌وگوی بین‌قومی از طریق مذاکره میان نخبگان، بسترسازی برای ابراز هویت اقوام و شهروندان، بازیابی عاطفی، ترویج گفتمان شهروندمدار، سیاست‌گذاری اجتماعی (شامل مفاهیمی چون هزینه کردن دولت‌ها در حوزه بهبود روابط قومی، ایجاد امنیت نرم و دوری از امنیت سخت، ایجاد مدیریت حل تعارضات قومی در استان، تزریق ثروت‌های ملی به مناطق مرزی، برقراری مساوات بین اقوام در زمینه توسعه اقتصادی و رفع محرومیت‌ها، تقویت فرهنگی قومیت‌ها با ایجاد ساختارها توسط دولت، رعایت قانون و پایبندی به اجرای اصول قانون اساسی توسط دولت، تحقق جامعه مدنی و برابری انسان‌ها) و توزیع عادلانه ثروت، قدرت و منزلت (مشتمل بر به‌کارگیری تبعیض مثبت، قائل شدن شانس و فرصت منصفانه برای همه اقوام، استفاده از امان‌های وحدت توسط شهرداری‌ها در نصب یادمان‌ها، رعایت حقوق شهروندی اقوام، پرهیز از نگاه‌های قومی، اصلاحات

29. Longxi

30. Dani and Hann

واقعیت، واقعیت‌ها را در یک چارچوب نمادین جای دهند و معانی و مفاهیم جدیدی برای گذشته قائل شوند. نمادها عناصر مهمی هستند که به گروه‌های مختلف، از جمله گروه‌های قومی، مشروعیت جمعی بخشیده و قادرند از طریق ایجاد قدرت واقعی در یک گروه قومی، موجب حفاظت و صیانت آنان شوند. سرزمین و قلمرو، زبان و مذهب از جمله نمادهای برجسته قومی به شمار می‌روند و تأکید بیش از اندازه هریک از گروه‌های قومی ترک و کرد به این نمادها منجر به ضعف ارتباطات میان‌فرهنگی - قومی و شکاف قومی در سطح استان شده است و با پررنگ شدن مرزهای قومی و افزایش خطوط تمایزات ساختاری، همبستگی‌های درون‌قومی افزایش یافته و تمام اعضای گروه قومی از سوی طرف مقابل دشمن محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، تعصبات قومی و عقاید قالبی که از پیش وجود داشته، به درگیری دامن می‌زند و دو جناح «آنها» و «ما» در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند و جامعه را به سمت قطبی شدن پیش می‌برند. قطبی شدن جامعه بیش از هر چیز به درک از محرومیت و زیر سلطه بودن وابسته است. هنگامی که اقوام مختلف در این پیش‌داوری سهمیم باشند، بدترین شرایط موجود برای بروز خشونت قومی است. خشونت به جای ایجاد فرصت، به گفت‌وگو خاتمه داده بحث و تبادل نظر را حتی به شکلی نا برابر، دشوار می‌کند. وقتی این چرخه آغاز و خشونت و درگیری به نام گروه قومی ثبت شد، ترس و خصومت بیشتری کل گروه قومی را دربر می‌گیرد؛ زیرا در جوامعی که اقلیت‌های قومی متعدد در آنها با یکدیگر اصطکاک و برخورد دارند، خود نخبگان به مانعی مهم در مسیر ساخت هویت ملی تبدیل شده و در بازتولید خشونت قومی نقش مهمی ایفا می‌کنند. از این رو پیشنهاد می‌شود دولت در حوزه بهبود روابط قومی، با تقویت

فرهنگی قومیت‌ها با ایجاد ساختارها، رعایت قانون و پایبندی به اجرای اصول قانون اساسی، تحقق جامعه مدنی و برابری انسان‌ها و توزیع عادلانه ثروت، قدرت و منزلت مشتمل بر قائل شدن شانس و فرصت منصفانه برای همه اقوام، رعایت حقوق شهروندی اقوام، پرهیز از نگاه‌های قومی، اصلاحات تدریجی و ساختاری با مشارکت مردم و جامعه مدنی موجب تعدیل خشونت‌های بین اقوام در استان آذربایجان غربی شود.

یکی از نتایج قابل توجه این پژوهش وجود شکاف‌های قومی در بین اقوام مختلف ساکن در استان بود. بنابراین برای کاهش و تخفیف خشونت در بین اقوام مختلف در استان بایستی استراتژی تضعیف شکاف‌های قومیتی در دستور کار قرار گیرد. برای این مهم نیز بایستی به سراغ تقویت میراث فرهنگی مشترک و یکپارچگی ملی رفت. همچنین به کارگیری طرح مفهوم شهروندی باید به جای ما - دیگری - در دستور کار مسئولان قرار گیرد.

یکی دیگر از نتایج قابل توجه تحقیق حاضر ضعف ارتباطات میان‌فرهنگی - قومی در بین اقوام ساکن در استان بود که می‌تواند زمینه بروز خشونت بین اقوام را فراهم کند. بدین منظور بایستی مدارای اجتماعی از طریق ترویج فرهنگ صلح، دوستی و احترام بین‌قومی، گسترش فضای فرهنگی صادفانه بین فعالین فرهنگی دو قوم، تقویت ارزش‌های مشترک بین اقوام توسط نخبگان قومی، تحمل عقاید یکدیگر، تساهل و مدارا، همدلی قومی - فرهنگی، گفت‌وگوی بین‌قومی از طریق مذاکره میان نخبگان، بسترسازی برای ابراز هویت اقوام و شهروندان، بازیابی عاطفی و ترویج گفتمان شهروندمدار گسترش یابد تا از خشونت‌های بین اقوام کاسته شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در این پژوهش رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران است که آقای سجاد معین‌فر در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی ارائه داده‌اند.

مشارکت نویسندگان

مفهوم‌سازی، تحقیق و بررسی ویراستاری و نهایی‌سازی نوشته: سجاد معین‌فر، رضاعلی محسنی و علیرضا محسنی تبریزی.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع فارسی

- ارتباطات، ۱۳(۱۷)، ۱۲۱-۱۶۲.
- رضایی، ع. ا. و زهره‌ای، م. ع. (۱۳۹۰). *دیپلماسی فرهنگی: نقش فرهنگ در سیاست خارجی و ارائه مدل راهبردی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- صالحی‌امیری، س. ر. (۱۳۸۸). *مدیریت منازعات قومی در ایران*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طالبان، م. ر. (۱۳۸۹). *تحلیلی بولی از اثر محرومیت نسبی بر خشونت سیاسی (مطالعه تطبیقی کشورهای مسلمان خاورمیانه)*. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۱(۴)، ۱-۳۱.
- عباسی، ر. و همتی، ر. (۱۳۹۲). *تحلیل تطبیقی-کیفی تضاد سیاسی خشونت آمیز در سطح کلان: جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴(۲)، ۸۹-۱۱۰.
- فرحمن‌گنزی، ص. (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی خشونت اقوام ترک و کرد آذربایجان شرقی و کردستان در مقابل حکومت مرکزی پس از ۱۳۵۷*. مقاله ارائه شده در: هشتمین همایش مجازی بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان، قزوین، ایران، ۲۲ فروردین ۱۳۹۴.
- فکوهی، ن. (۱۳۷۸). *خشونت سیاسی: نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها*. تهران: نشر قطره.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۵). *فرهنگ ملی، فرهنگ‌های قومی-جماعتی و بازار اقتصاد صنعتی*. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۷(۱)، ۱۲۶-۱۴۸.
- قاراخانی، م. (۱۳۸۸). *نوسازی و خشونت سیاسی: بررسی تطبیقی کشورهای اسلامی*. *علوم اجتماعی*، ۱۶(۴۵)، ۱۵۹-۱۷۸.
- گر، ت. ر. (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*. [ع. مرشدی‌زاد، ترجمه فارسی]. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محسنی‌تبریزی، ع. ر. (۱۳۹۵). *روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)*. چاپ ۱. تهران: اطلاعات.
- محموداوغلی، ر. و اصغری‌نیاری، ی. (۱۳۹۶). *بررسی عوامل موثر بر خشونت سیاسی (مطالعه موردی: جمعیت بلوچ شهر زاهدان)*. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۶(۲۱)، ۷۳-۹۶.
- مقصودی، م. (۱۳۸۰). *تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها*. تهران: موسسه مطالعات ملی.
- مک‌کویل، د. (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*. آپ. اجلائی، ترجمه فارسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
- استراوس، آ. و کوربین، ج. (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی*. آپ. محمدی، ترجمه فارسی. چاپ ۳. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اسملسر، ن. (۱۳۸۰). *تئوری رفتار جمعی*. آر. دژاکام، ترجمه فارسی. تهران: موسسه یافته‌های نوین.
- اسمیت، آ. د. (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*. آپ. انصاری، ترجمه فارسی. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- اوزکریملی، ا. (۱۳۸۳). *نظریه‌های ناسیونالیسم*. آپ. ع. قاسمی، ترجمه فارسی. تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- ایمان، م. ت. (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. چاپ ۱. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایوبی، ج. (۱۳۷۷). *شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی*. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۱(۱)، ۱۹-۳۸.
- پورموسوی، س. م.، میرزاده‌کوشاهی، م. و رهنما قره‌خاننگلو، ج. (۱۳۸۷). *سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران*. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۴(۱۳)، ۷۵-۱۰۱.
- تاجیک، م. ر. (۱۳۸۳). *دهه سوم، تخمین‌ها و تدبیرها*. جلد ۱. تهران: فرهنگ گفتمان.
- چوخاچی‌زاده‌مقدم، م. ب. و امینی‌قشلاقی، د. (۱۳۸۹). *بسترهای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی از منظر جغرافیای نظامی-امنیتی*. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۶(۱۹)، ۱۸۶-۲۱۰.
- حریری، ن. (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- خبیری، ک. (۱۳۷۷). *مؤلفه‌های جامعه مدنی و بحران‌های اجتماعی*. *گفتمان*، ۱(۱)، ۱۲۹-۱۴۲.
- دعاگویان، د. و عبدالرحمانی، ر. (۱۳۹۶). *نقش رسانه‌ها در گسترش درگیری‌های قومی مناطق مرزی ف.ا. استان آذربایجان غربی (۱۳۹۳)*. *پژوهشنامه مطالعات مرزی*، ۳(۵)، ۲۷-۵۶.
- رضایی، س.، آشنا، ح.، شهبابی، م. و طالبی، ا. (۱۳۹۱). *بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و بینانه‌های تبلیغاتی در بمب‌گذاری‌های سیستان و بلوچستان*. *مطالعات فرهنگ-*

مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

نوریس، پ، و کدی، ن. ر. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی سیاسی: شکاف‌های اجتماعی*. آپ. دلیرپور، و ع. ر. سمیعی اصفهانی، ترجمه فارسی. تهران: کویر.

ویمر، آ. (۱۳۹۶). *مرزبندی قومیتی: نهادها، قدرت و شبکه‌ها*. م. ر. فدایی، ترجمه فارسی. تهران: شیرازه کتاب ما.

یوسفی، ع، و اصغرپورماسوله، ا. ر. (۱۳۸۸). *قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران. جامعه‌شناسی تاریخی*، (۱)، ۱۴۴-۱۲۵.

References

- Abbasi, R., & Hemmati, R. (2013). [A qualitative-comparative analysis of violent political conflict at macro level (Persian)]. *Journal of Applied Sociology*, 24(2), 89-110. https://jas.ui.ac.ir/article_18304.html
- Ayyubi, H. (1998). [Ethnic gaps and violence in political struggles (Persian)]. *Strategic Studies Quarterly*, 1(1), 19-38. http://quarterly.risistudies.org/article_1362.html
- Bangura, Y. (2006). Ethnic inequalities in the public sector: A comparative analysis. *Development and Change*, 37(2), 299-328. [DOI:10.1111/j.0012-155X.2006.00479.x]
- Bar-Tal D. (2003). Collective memory of physical violence: Its contribution to the culture of violence. In E. Cairns, & M. D. Roe (Eds.), *The role of memory in ethnic conflict. Ethnic and intercommunity conflict series* (pp. 77-93). London: Palgrave Macmillan. [DOI:10.1057/9781403919823_5]
- Cederman, L. E., Wimmer, A., & Min, B. (2010). Why do ethnic groups rebel? New data and analysis. *World Politics*, 62(1), 87-119. [DOI:10.1017/S0043887109990219]
- Chokhachizadeh Moghaddam, M. B., & Amini Qeshlaqi, D. (2010). [Grounds behind insecurity in border areas of West Azerbaijan province from the viewpoint of military-security geography (Persian)]. *Geopolitics Quarterly*, 6(19), 186-210. http://journal.iag.ir/article_56948.html
- Dani, A. A., & de Hann, A. (2008). *Inclusive states*. Washington, D.C.: The World Bank. [DOI:10.1596/978-0-8213-6999-9]
- Doagoyan, D., & Abdorrahmani, R. (2017). [The role of the media in expanding the ethnic conflicts of the West Azarbaijan province (1393) (Persian)]. *Journal of Border Studies*, 5(3), 27-56. http://bss.jrl.police.ir/article_17559.html
- Etefa, T. (2019). Ethnicity as a tool: The root causes of ethnic conflict in Africa—A critical introduction. In T. Etefa. *The origins of ethnic conflict in Africa. African histories and modernities* (pp. 1-27). Cham: Palgrave Macmillan. [DOI:10.1007/978-3-030-10540-2_1]
- Etefa, T. (2019). Neither Malkas nor Shambas: Oromo and Pokomo conflict, 1991-2013. In T. Etefa. *The origins of ethnic conflict in Africa. African histories and modernities* (pp. 161-185). Cham: Palgrave Macmillan. [DOI:10.1007/978-3-030-10540-2_7]
- Fakouhi, N. (1999). [*Political violence: Theories, discussions, shapes and solutions* (Persian)]. Tehran: Nashre Ghatreh. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/595153>
- Fakouhi, N. (2006). [National, communitarian and ethnic cultures and the industrial economic market in Iran (Persian)]. *Iranian Journal of Sociology*, 7(1), 126-48. http://www.jsi-isa.ir/article_25357.html
- Farahmand Ganzeq, S. (2015). [*A comparative study of the violence of the Turks and Kurds of East Azerbaijan and Kurdistan against the central government after 1978* (Persian)]. Paper presented at 8th International Virtual Conference on Iran and the World Contemporary Developments, Qazvin, Iran, 11 April 2015. <https://civilica.com/doc/426721/>
- Fenton, S. (2004). Beyond ethnicity: The global comparative analysis of ethnic conflict. *International Journal of Comparative Sociology*, 45(3-4), 179-94. [DOI:10.1177/0020715204049592]
- Gharakhani, M. (2009). [Modernization and political violence: A comparative analysis of Muslim majority countries (Persian)]. *Social Sciences*, 16(45), 159-78. https://qjs.atu.ac.ir/article_5381.html
- Gogoneni, R. (2012). Kenyans, Somalis clash in Nairobi. Retrieved from <https://www.rfi.fr/en/africa/20121121-somalis-kenyans-clash-nairobi>
- Gurr, T. R. (1998). *Why men rebel?* [A. Morshedizad, Persian Trans]. Tehran: Research Institute of Strategic Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/528234>
- Hariri, N. (2006). [*Principles and methods of qualitative research* (Persian)]. Tehran: Islamic Azad University Science and Research Branch. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/912432>
- Iman, M. T. (2012). [*Methodology of qualitative researches* (Persian)]. 1st Ed. Qom: Research Institute of Hawzeh and University. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2725361>

- Khabiri, K. (1998). [Components of civil society and social crises (Persian)]. *Gofteman*, (1), 129-42. <http://ensani.ir/fa/article/281325/>
- Longxi, Z. (2009). Openness and the dialogue of civilizations—a Chinese example. In M. S. Michael, & F. Petito (Eds.), *Civilizational dialogue and world order. Culture and religion in international relations* (pp. 201-215). New York: Palgrave Macmillan. [DOI:10.1057/9780230621602_11]
- Maghsoudi, M. (2001). [*Ethnic developments in Iran: Causes and backgrounds* (Persian)]. Tehran: Institute of National Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/617794>
- Mahmood Oghli, R., & Asghari Niari, Y. (2017). [Examine the effective factors on political violence (Case study: Baloch population of Zahedan) (Persian)]. *Strategic Research of Politics*, 6(21), 73-96. [DOI:10.22054/QPSS.2017.1158.1023]
- McQuail, D. (2006). *Mass communication theory, an introduction* [P. Ejlali, Persian Trans]. Tehran: Ministry of Culture & Islamic Guidance.
- Mohseni Tabrizi, A. R. (2016). [*Qualitative research methods in definition paradigm* (Persian)]. 1st Ed. Tehran: Ettelaat. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4458411>
- Njoroge, M. P. (2012). The social, cultural and economic impact of ethnic violence in Molo Division, 1969 – 2008. [MA. thesis]. Nairobi: Kenyatta University. <https://ir-library.ku.ac.ke/handle/123456789/6863>
- Norris, P., & Keddie, N. R. (2009). *Political sociology: Social gaps* [P. Dalirpour, & A. R. Samiei Esfahani, Persian Trans]. Tehran: Kavir. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1189470>
- Ozkirimli, U. (2004). *Theories of nationalism: A critical introduction* [M. A. Ghsemi, Persian Trans]. Tehran: Institute of National Studies, Iranian Civilization. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/720621>
- Pourmosavi, S. M., Mirzadeh Kouhshahi, M., & Rahnama Qarakan Biglou, J. (2009). [Political organization of cultural and functional spaces and areas in Iran (Persian)]. *Geopolitics Quarterly*, 4(13), 75-101. http://journal.iag.ir/article_57034.html
- Rasoal, C., Eklund, J., & Hansen, E. M. (2011). Toward a conceptualization of ethnocultural empathy. *Journal of Social, Evolutionary, and Cultural Psychology*, 5(1), 1-13. [DOI:10.1037/h0099278]
- Rezaee, A. A., & Zohrehii, M. A. (2011). [*Cultural diplomacy: The role of culture in foreign policy and the presentation of a strategic model* (Persian)]. Tehran: Jameeshenasan. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2663464>
- Rezaei, S., Ashna, H., Shahabi, M., & Talebi, A. (2012). [Encoding in political violence discourse a study on communicative processes of bombing attacks in the south-east of Iran (Persian)]. *Journal of Culture-Communication Studies*, 13(17), 121-62. http://www.jcscs.ir/article_3380.html
- Rivadeneira, R. (2006). Do you see what I see? Latino adolescents' perceptions of the images on television. *Journal of Adolescent Research*, 21(4), 393-414. [DOI:10.1177/0743558406288717]
- Salehi Amiri, S. R. (2009). [*Ethnic conflict management in Iran* (Persian)]. Tehran: Center for Strategic Research, Expediency Discernment Council. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1919529>
- Smelser, N. J. (2001). *Theory of collective behavior* [R. Dezhakam, Persian Trans]. Tehran: Moaseseye Yaftehaye Novin. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/643389>
- Smith, A. D. (2004). *Nationalism: Theory, ideology, history* [M. Ansari, Persian Trans]. Tehran: Institute of National Studies, Iranian Civilization. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/734930>
- Strauss, A. L., & Corbin, J. M. (2011). *Basics of qualitative research methods* [B. Mohammadi, Persian Trans]. 3rd Ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/766135>
- Tajik, M. R. (2004). [*Third decade, estimates and contraptions* (Persian)]. Tehran: Farhange Gofteman. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/717483>
- Taleban M. R. (2010). [The effect of relative deprivation on political violence using the Boolean analysis (a comparative study of Muslim Middle Eastern countries) (Persian)]. *Iranian Journal of Sociology*, 11(4), 1-31. http://www.jsi-isa.ir/article_24147.html

- Wimmer, A. (2017). *Ethnic boundary making: Institutions, power, networks* [M. R. Fadaie, Persian Trans]. Tehran: Shirazeh Ketab. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4838271>
- Yousofi, A., & Asgharpoor Masole, A. (2009). [Ethnocentrism and its effect on interethnic relationships in Iran a secondary analysis (Persian)]. *Journal of Historical Sociology*, 1(1), 125-44. <http://jhs.modares.ac.ir/article-25-7664-fa.html>